اقتصاد کلان

روایت حمایت بانکی از تولید

اعتبار هست، نقدینگی چطور؟

تأمین مالی تولید همواره یکی از محورهای سیاستگذاری پولی در ایران بوده است؛ با این حال، افزایش حجم تسهیلات و ابزارهای اعتباری لزوما به معنای دسترسی بیشتر بنگاه‌ها به منابع مالی نیست. آمارهای بانک مرکزی از رشد قابل توجه حمایت‌های اعتباری حکایت دارد، اما ترکیب تسهیلات، نحوه توزیع منابع و فاصله میان اعتبار تخصیص‌یافته و نقدینگی واقعی، پرسش‌هایی را درباره میزان اثربخشی این حمایت‌ها مطرح می‌کند.

اعداد و ارقام اعلام‌شده درباره حمایت‌های بانکی از تولید می‌تواند امیدوارکننده باشد؛ از ۱۰۷۶ همت تسهیلات پرداختی گرفته تا ۳۰۳ همت ابزارهای تأمین مالی زنجیره‌ای و تسهیلات اعتباری. با این حال، به نظر می‌رسد همه بنگاه‌ها امکان استفاده از این حمایت‌ها را ندارند و بخش زیادی از منابع نیز به بنگاه‌های بزرگ اختصاص یافته است. در چنین شرایطی، این پرسش مطرح می‌شود که سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط از حمایت‌های اعتباری چقدر است و این منابع تا چه اندازه می‌توانند نیاز مالی آنها را تأمین کند؟

حمایت اعتباری با فهرست بنگاه‌های منتخب

یکی از برنامه‌های بانک مرکزی برای حمایت از بنگاه‌های اقتصادی، اجرای «بسته مقاوم‌سازی اقتصاد ملی و دفاع غیرنظامی در شرایط اضطراری» بود؛ بسته‌ای که از نهم اسفند ۱۴۰۴ آغاز شد و حداکثر تا نهم خرداد ۱۴۰۵ ادامه داشت. بر اساس این بسته، سقف مانده تسهیلات سرمایه در گردش بنگاه‌ها از ۹۰ به ۱۳۵ درصد فروش سال قبل افزایش یافت و بانک‌ها اجازه پیدا کردند سقف اعتبار بنگاه‌ها را تا ۵۰ درصد بالا ببرند. همچنین، مصوبات اعتباری سررسیدشده به مدت دو ماه تمدید شد و سقف تسهیلات و تعهدات به هر ذی‌نفع واحد از ۲۰ به ۲۵ درصد سرمایه بانک افزایش پیدا کرد. در بخش دیگری از این مصوبات نیز امکان امهال بدهی‌های غیرجاری با پرداخت ۷.۵ درصد از بدهی فراهم شد؛ به این معنا که مهلت بازپرداخت بدهی دوباره تنظیم می‌شد، نه اینکه اصل بدهی بخشیده شود. با این حال، استفاده از این تسهیلات برای تمام بنگاه‌ها امکان‌پذیر نبود. وزارتخانه‌های مربوط، واحدهای دارای اولویت را طبق معیارها و ضوابط معرفی می‌کردند و بانک مرکزی فهرست آنها را در اختیار بانک‌ها قرار می‌داد. بنابراین، این بسته بیش از آنکه تسهیلاتی عمومی برای همه تولیدکنندگان باشد، سازوکاری برای حمایت اعتباری از بنگاه‌های منتخب بود. اما این منابع در عمل به چه واحدهایی رسید و سهم بخش‌های مختلف تولید از آن چقدر بود؟

سهم عمده تسهیلات به واحدهای وزارت صمت رسید

در کنار این بسته، هیات وزیران نیز ۱۷ دی‌ماه ۱۴۰۴ اختصاص ۷۰۰ همت از منابع داخلی بانک‌ها برای تأمین سرمایه در گردش تولیدکنندگان را تصویب کرد. این تصمیم در شرایطی اتخاذ شد که با انتقال برخی کالاها از ارز ترجیحی به تالار دوم، هزینه تأمین مواد اولیه برای تولیدکنندگان افزایش یافته بود و بنگاه‌ها برای ادامه فعالیت به منابع مالی بیشتری نیاز داشتند. بر اساس آمار اعلامی بانک مرکزی، از ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۴ تا ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۵، شبکه بانکی در مجموع ۲۵ هزار و ۵۴۸ فقره تسهیلات به ارزش ۱۰۷۶ همت پرداخت کرده است. از این میزان، ۸۸۴.۳ همت به واحدهای معرفی‌شده از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت و ۱۹۲.۵ همت به واحدهای معرفی‌شده از سوی وزارت جهاد کشاورزی اختصاص یافته است. با این حال، این ارقام به‌تنهایی تصویر کاملی از میزان دسترسی تولیدکنندگان به منابع بانکی ارائه نمی‌کند. نخست آنکه ۲۵ هزار و ۵۴۸ فقره تسهیلات به معنای همین تعداد بنگاه دریافت‌کننده نیست و یک واحد تولیدی ممکن است بیش از یک تسهیلات دریافت کرده باشد. از سوی دیگر، رقم اعلام‌شده صرفا شامل وام نقدی نیست و ابزارهایی مانند اوراق گام، برات الکترونیکی و اعتبار اسنادی را نیز در بر می‌گیرد؛ بنابراین نمی‌توان تمام ۱۰۷۶ همت را معادل پول نقد واریزشده به حساب تولیدکنندگان دانست. توزیع استانی این منابع نیز از تمرکز قابل توجه پرداخت‌ها در تهران حکایت دارد. از مجموع تسهیلات پرداختی در ۳۱ استان کشور، ۱۱ هزار و ۹۴۱ فقره به ارزش ۶۸۲.۹ همت در تهران پرداخت شده؛ رقمی که بیش از ۶۰ درصد کل منابع اعلام‌شده را شامل می‌شود. پس از تهران، استان‌های اصفهان با ۶۴.۲ همت و خراسان رضوی با ۵۸.۳ همت در رتبه‌های بعدی قرار دارند. اما پرسش مهم‌تر از حجم تسهیلات پرداختی، نحوه توزیع آن میان بنگاه‌های بزرگ و کوچک است؛ موضوعی که با توجه به سهم بالای واحدهای کوچک و متوسط در ساختار صنعتی کشور، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

سهم ناچیز بنگاه‌های کوچک از تسهیلات بانکی

اهمیت نحوه توزیع تسهیلات زمانی بیشتر مشخص می‌شود که سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط از نظام تأمین مالی کشور را بررسی کنیم. رضا غلامی اوریمی، مشاور مدیرعامل و دبیر هیات‌مدیره سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، اعلام کرده است که بیش از ۹۰ درصد واحدهای صنعتی کشور در گروه بنگاه‌های کوچک و متوسط قرار دارند، اما سهم این واحدها از تسهیلات بانکی کمتر از ۵ تا ۶ درصد است. این فاصله میان سهم بنگاه‌های کوچک از تعداد واحدهای صنعتی و میزان دسترسی آنها به منابع بانکی، یکی از چالش‌های تأمین مالی تولید است. بر اساس اهداف برنامه هفتم توسعه، قرار است سهم این بنگاه‌ها از تسهیلات بانکی به ۱۵ درصد افزایش یابد؛ هدفی که تحقق آن به تغییر در شیوه توزیع منابع و دسترسی آسان‌تر واحدهای کوچک به اعتبارات بانکی وابسته است. در همین راستا، وزیر صنعت، معدن و تجارت نیز پیش‌تر از نرسیدن بخشی از تسهیلات مصوب به بنگاه‌های کوچک و متوسط انتقاد کرده بود. به گفته او، برخی بانک‌ها به دلیل ریسک کمتر، منابع را به بنگاه‌های بزرگ اختصاص داده‌اند و قرار شده است ۳۰۰ همت دیگر برای جبران این مساله و حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط در نظر گرفته شود. با این حال، افزایش سهم بنگاه‌های کوچک از منابع بانکی تنها به اختصاص اعتبار بیشتر محدود نمی‌شود. مساله دیگر این است که منابع چگونه و با چه سازوکاری به دست این واحدها برسد؛ موضوعی که بانک مرکزی به‌طور جدی در سال جاری با توسعه ابزارهای تأمین مالی زنجیره‌ای دنبال کرده است.

مذاکرات ادامه دارد اما خطر بازگشت جنگ همچنان جدی است

هشدار قاطع تهران به ترامپ



با وجود تداوم تبادل پیام‌ها از مسیر میانجی‌های قطری، اختلاف بر سر مطالبات ایران، محاصره دریایی و بی‌اعتمادی به واشنگتن، دستیابی به توافق را دشوار کرده است.

در حالی که گفت‌وگوهای ایران و امریکا با میانجیگری قطر همچنان ادامه دارد، مجموعه مواضع مقام‌های ایرانی نشان می‌دهد که تهران در کنار باز نگه داشتن مسیر دیپلماسی، خود را برای سناریوهای دیگر نیز آماده نگه داشته است. تأکید سخنگوی وزارت امور خارجه بر ادامه تبادل پیام‌ها، تصریح او به اینکه ابتکار دیپلماتیک همچنان در جریان است و همزمان هشدارهای مطرح‌شده درباره پیامدهای آغاز دوباره جنگ، تصویری دووجهی از وضعیت کنونی ارائه می‌کند: از یک سو، مسیر مذاکره هنوز بسته نشده و امکان دستیابی به توافق وجود دارد؛ از سوی دیگر، اختلاف‌های باقی‌مانده و سابقه مواجهه نظامی در میانه روندهای دیپلماتیک، نگرانی‌ها درباره از سرگیری درگیری را افزایش داده است. در چنین شرایطی، هشدار تهران به دونالد ترامپ را باید در چارچوب تلاش برای جلوگیری از تکرار تجربه‌های گذشته و بالا بردن هزینه تصمیم نظامی علیه ایران ارزیابی کرد. ایران از یک طرف می‌گوید مطالبات خود را از مسیر دیپلماسی و با واسطه میانجی‌ها پیگیری می‌کند و از طرف دیگر تأکید دارد که مذاکره به معنای پذیرش فشار نظامی یا چشم‌پوشی از الزامات امنیتی کشور نیست. این رویکرد، در اظهارات اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه و فداحسین مالکی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس به‌روشنی دیده می‌شود.

مذاکرات از مسیر قطر ادامه دارد اما توافق هنوز در دسترس قطعی نیست

اسماعیل بقایی در نشست خبری هفتگی وزارت امور خارجه، در پاسخ به پرسشی درباره مذاکرات ایران و امریکا در قطر، تأکید کرد که گفت‌وگوها همچنان ادامه دارد. او همچنین توضیح داد که سفر کاظم غریب‌آبادی، معاون وزیر امور خارجه، به دوحه با هدف تسهیل مذاکرات انجام شده و تبادل پیام‌ها میان طرفین ادامه دارد. تداوم گفت‌وگوها از طریق میانجی‌ها، به این معناست که دو طرف هنوز کانال ارتباطی لازم برای پیگیری مطالبات و بررسی امکان توافق را حفظ کرده‌اند. با این حال، ادامه مذاکرات را نمی‌توان به‌تنهایی نشانه نزدیک بودن توافق دانست. بقایی نیز با اشاره به پیچیدگی موضوعات مورد اختلاف، تأکید کرد که گذر زمان و عملکرد امریکا بر دشواری مسائل افزوده است. از نگاه تهران، مساله صرفا برگزاری جلسه یا تبادل پیام نیست؛ آنچه اهمیت دارد، محتوای مذاکرات و میزان آمادگی طرف امریکایی برای پاسخ‌گویی به مطالبات ایران است. سخنگوی وزارت امور خارجه در همین زمینه تصریح کرد که ایران مطالبات خود را از مدت‌ها قبل به طرف امریکایی اعلام کرده و اکنون اجرای این مطالبات را لازمه برقراری امنیت در تنگه هرمز می‌داند. او درباره طرح دیپلماتیک ایران نیز گفت که ابتکار موسوم به «طرح هفت‌روزه» در جریان سفر هیات نمایندگی ایران به نیویورک به‌تفصیل مورد گفت‌وگو قرار گرفته است. به گفته بقایی، ایران دیدگاه‌های طرف مقابل را از طریق میانجی‌ها دریافت کرده و ملاحظات مختلف میان دو طرف ردوبدل شده است. او تأکید کرد که پیشنهاد ایران همچنان پابرجاست و امکان اجرای آن در مدت کوتاهی وجود دارد؛ با این حال، تحقق این مسیر به تصمیم امریکا بستگی دارد. این مواضع نشان می‌دهد که تهران می‌خواهد مسوولیت پیشرفت یا توقف مذاکرات را متوجه تصمیم‌گیری واشنگتن کند. از نگاه مقام‌های ایرانی، چارچوب پیشنهادی مشخص است و اکنون این امریکا است که باید درباره پذیرش مطالبات ایران و نحوه ادامه مسیر تصمیم بگیرد. در مقابل، تا زمانی که اختلاف‌ها درباره موضوعات اصلی حل نشده باشد، تداوم تماس‌ها به‌تنهایی نمی‌تواند نگرانی از بن‌بست دیپلماتیک را برطرف کند.

محاصره دریایی؛ گره اصلی در مسیر توافق

یکی از مهم‌ترین محورهای مواضع اخیر وزارت امور خارجه، پیوند میان پایان محاصره دریایی امریکا و بازگشت امنیت به تنگه هرمز است. بقایی در این زمینه موضع ایران را صریح بیان کرد و گفت: «هیچ توافق نهایی نمی‌تواند شروع شود و تنگه هرمز نمی‌تواند باز گشایی و امن شود، مگر اینکه محاصره دریایی امریکا پایان یابد، مطالبات ایران رعایت شود، خواسته‌های مشروع ایران عملیاتی شود، بعد ما می‌توانیم در خصوص ادامه روند صحبت کنیم.» این موضع، نشان‌دهنده آن است که تهران موضوع محاصره دریایی را مساله‌ای جدا از مذاکرات نمی‌داند و آن را به ترتیبات امنیتی مورد نظر خود پیوند زده است. از نگاه ایران، دستیابی به توافقی که در آن محدودیت‌های مورد اعتراض تهران ادامه پیدا کند، نمی‌تواند زمینه‌ساز بازگشت پایدار امنیت باشد. بنابراین، پایان محاصره و اجرای مطالبات اعلام‌شده، در روایت رسمی ایران پیش‌شرط حرکت به مرحله بعدی مذاکرات است. بقایی در بخش دیگری از سخنان خود نیز تأکید کرد که «امریکا باید بداند بدون لغو محاصره اقتصادی و پایبندی به تعهدات، امنیت یک جانبه در تنگه هرمز و خلیج فارس محقق نخواهد شد.» «اهمیت این موضع در آن است که تنگه هرمز و امنیت خلیج فارس، صرفاً موضوعی دوجانبه میان ایران و امریکا نیستند و هرگونه تشدید تنش در این منطقه می‌تواند پیامدهایی فراتر از روابط تهران و واشنگتن داشته باشد. از همین رو، اختلاف بر سر ترتیبات امنیتی این آبراه و شرایط مورد نظر ایران برای بازگشت به وضعیت باثبات، یکی از عواملی است که می‌تواند مسیر مذاکرات را پیچیده کند. با این حال، موضع اعلام‌شده ایران به‌معنای بسته شدن مسیر دیپلماسی نیست. بقایی تأکید کرده است که پیشنهاد تهران همچنان در جریان است و در صورت اجرای مطالبات ایران، امکان بازگشت امنیت و آغاز روند مذاکرات در مدت کوتاه وجود دارد. به این ترتیب، ایران از یک طرف بر شروط خود پافشاری می‌کند و از طرف دیگر، تلاش دارد نشان بدهد که برای رسیدن به توافق، مسیر مشخصی پیش روی طرف امریکایی قرار داده است.

بی‌اعتمادی به واشنگتن تجربه‌ای که مذاکرات را دشوارتر می‌کند

یکی از مهم‌ترین موانع دستیابی به توافق از نگاه تهران، بی‌اعتمادی به عملکرد دولت امریکا در روندهای دیپلماتیک است. بقایی در پاسخ به پرسشی درباره نامه‌ای که به محسن رضایی نسبت داده شده و گزارش‌ها درباره تفاوت لحن آن با اظهارات دیگر مقام‌های امریکایی مطرح شده بود، تأکید کرد که برای ایران، عملکرد دولت امریکا مهم‌تر از سبک نامه‌نگاری یا تفاوت در ادبیات افراد است. او با انتقاد از رویکرد واشنگتن در سال‌های اخیر گفت: «تا الان امریکا نشان داده در حوزه دیپلماسی نه تنها ابتکاری ندارد بلکه ابتکارات دیپلماتیک را هم از بین می‌برد. امریکا در دو سال گذشته فقط بر طبل جنگ کوبیده و هر گاه مسیری برای دیپلماسی باز شده یا در حین روند، آن فرآیند را دچار اخلال کرده و جنگ راه انداخته یا وقتی آن روند محصول داد، به عنوان مثال تفاهم اسلام‌آباد، بعد از دو یا سه هفته نقض شد.» این ارزیابی، بازتاب‌دهنده نگاه بدبینانه تهران به پایداری توافق‌های احتمالی با واشنگتن است. از منظر ایران، مساله فقط دستیابی به تفاهم اولیه نیست؛ بلکه تضمین اجرای تعهدات و جلوگیری از تکرار تجربه‌هایی است که در آنها مسیر مذاکره با اقدام نظامی یا نقض تفاهم‌ها مواجه شده است. بقایی در همین زمینه با اشاره به اظهارات اخیر ترامپ و تفاوت لحن برخی مقام‌های امریکایی گفت که مواضع متفاوت در ساختار سیاسی امریکا ممکن است وجود داشته باشد، اما ایران تصمیم‌گیری خود را بر اساس عملکرد دولت این کشور انجام می‌دهد. او همچنین تأکید کرد که طرف ایرانی تجربه‌های گذشته، از جمله تحولات مرتبط با مذاکرات سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۸ و رخدادهای بعدی را در نظر دارد. سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به این پرسش که آیا اظهارات متفاوت مقام‌های امریکایی می‌تواند بخشی از عملیات فریب باشد، گفت: «به فرض که فریب باشد و از این جماعت بعید نیست اما عملیات فریب دو طرف دارد، یکی فریب‌دهنده و یکی فریب خورنده؛ خب فریب نخوریم و نمی‌خوریم.» او همچنین با یادآوری تجربه حمله نظامی در خرداد سال گذشته، اظهار کرد که تنها نیم ساعت پیش از تجاوز نظامی، رییس جمهور امریکا در پیامی اعلام کرده بود که مذاکرات با ایران ادامه دارد. از نگاه تهران، چنین تجربه‌ای باعث می‌شود هر گونه پیام دیپلماتیک واشنگتن با احتیاط بررسی شود و صرف اظهارات مثبت یا لحن متفاوت مقام‌های امریکایی برای ایجاد اطمینان کافی نباشد. این بی‌اعتمادی، یکی از عوامل مهم دشواری مذاکرات است. حتی اگر کانال‌های ارتباطی باز بمانند، دستیابی به توافقی پایدار به این نیاز دارد که طرفین درباره اجرای تعهدات، ترتیب اقدامات و شرایط بازگشت به وضعیت باثبات به تفاهم برسند. در شرایطی که یک طرف، سابقه طرف مقابل را نشانه‌ای از احتمال تکرار اقدام نظامی می‌داند، رسیدن به توافق صرفا از طریق تبادل پیام‌ها دشوارتر خواهد بود.

هشدار ایران به ترامپ مذاکره به معنای عقب‌نشینی نیست

در کنار تأکید وزارت امور خارجه بر ادامه دیپلماسی، اظهارات فداحسین مالکی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، پیام روشنی درباره آمادگی دفاعی ایران دارد. او با اشاره به پیام اخیر رهبر جمهوری اسلامی ایران گفت که امریکا باید بیش از گذشته به این واقعیت برسد که در صورت آغاز جنگ از سوی واشنگتن، ایران تعیین‌کننده پایان آن خواهد بود. مالکی در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: «امریکایی‌ها باید بیش از گذشته به این واقعیت برسند که اگر جنگی از سوی آنها آغاز شود، این ایران خواهد بود که به آن پایان می‌دهد. همچنین آنها به این نتیجه رسیده‌اند که ایران متفاوت‌تر از گذشته در این جنگ ظاهر خواهد شد.» این اظهارات در امتداد مواضعی قرار می‌گیرد که برآمادگی ایران برای مواجهه با سناریوهای مختلف تأکید دارند. پیام اصلی این است که تهران در عین حمایت از دیپلماسی، قصد ندارد احتمال اقدام نظامی را نادیده بگیرد و یا سیاست دفاعی خود را به محاسبات واشنگتن محدود کند. مالکی همچنین تأکید کرد که سیاست‌های دفاعی کشور بر اساس سناریوهای طرف مقابل تنظیم نمی‌شود و ایران برای مواجهه با اتفاقات و سناریوهای مختلف آمادگی دارد. او گفت: «رمز موفقیت ایران این است که سیاست‌های دفاعی و تهاجمی‌اش را بر اساس استراتژی خود تنظیم می‌کند؛ موضوعی که حتی تحلیلگران امریکایی نیز به آن اذعان دارند لذا برای هر اتفاق و سناریویی آمادگی لازم را داریم.» این مواضع را می‌توان بخشی از پیام بازدارندگی ایران در شرایط ادامه مذاکرات دانست؛ پیامی که در آن، تهران می‌کوشد به واشنگتن نشان دهد فشار نظامی لزوما به نتیجه مورد انتظار امریکا منتهی نخواهد شد. در چنین چارچوبی، تأکید بر آمادگی دفاعی، مکمل مسیر دیپلماتیک معرفی می‌شود، نه جایگزین آن. با این حال، باید میان موضع‌گیری سیاسی و ارزیابی قطعی از آینده تحولات تمایز قائل شد. هشدارهای مقام‌های ایرانی نشان‌دهنده جدی بودن نگرانی تهران از احتمال تکرار درگیری است، اما به‌خودی‌خود به معنای قطعی بودن آغاز جنگ نیست. ادامه تبادل پیام‌ها و حفظ کانال میانجیگری قطر همچنان نشان می‌دهد که مسیر دیپلماسی باز است؛ هرچند دستیابی به توافق به تصمیم‌های بعدی دو طرف وابسته خواهد بود.

هشدار به کشورهای منطقه؛ قلمرو آنها نباید برای حمله به ایران استفاده شود

بخش دیگری از مواضع اخیر وزارت امور خارجه به نقش کشورهای منطقه در تحولات امنیتی اختصاص دارد. بقایی در پاسخ به پرسشی درباره کاهش اعتماد میان ایران و امارات تأکید کرد که ایران با هیچ کشوری در منطقه سر دشمنی ندارد، اما نمی‌تواند در برابر استفاده از قلمروی کشورهای دیگر برای تعرض به حاکمیت ملی و مردم ایران سکوت کند. او گفت: «انتظار معقول ایران است که کشورهای منطقه اجازه ندهند از قلمرو و امکانات آنها برای تعرض به یک کشور بزرگ منطقه سوءاستفاده شود.» این موضع، پیام تهران را از سطح روابط دوجانبه با امریکا فراتر می‌برد و متوجه کشورهایی می‌کند که ممکن است امکانات یا قلمروی آنها در تحولات نظامی منطقه نقش پیدا کند. از نگاه ایران، امنیت پایدار منطقه‌ای بدون همکاری کشورهای منطقه و احترام متقابل به حاکمیت ملی امکان‌پذیر نیست. در مقابل، هرگونه همراهی با اقدام نظامی علیه ایران یا فراهم کردن امکانات برای چنین اقدامی می‌تواند به تشدید تنش و آسیب دیدن روابط منطقه‌ای منجر شود. بقایی با اشاره به رخدادهای ماه‌های گذشته گفت که به اعتقاد تهران، اتکای بیش از حد برخی کشورهای منطقه به حضور نظامی امریکا در قلمروی خود، در تحولات اخیر نقش داشته است. او مدعی شد برخی کشورها نه‌تنها مانع استفاده امریکا از امکاناتشان برای تعرض به ایران نشده‌اند، بلکه چنین اقداماتی را تشویق کرده‌اند. این موضع‌گیری را باید در چارچوب تلاش ایران برای جلوگیری از گسترش احتمالی درگیری ارزیابی کرد. هرچه تعداد بازیگران منطقه‌ای درگیر یک بحران بیشتر شود، مهار تنش نیز پیچیده‌تر خواهد شد. از این رو، تهران از کشورهای همسایه انتظار دارد اجازه ندهند قلمروی آنها به بستری برای اقدام علیه ایران تبدیل شود و به جای اتکا به قدرت‌های فرامنطقه‌ای، برای شکل‌گیری ترتیبات امنیتی منطقه‌ای همکاری کنند. در این چارچوب، هشدار ایران درباره پیامدهای همراهی با اقدام نظامی علیه کشور، بخشی از سیاست بازدارندگی و تلاش برای محدود کردن دامنه احتمالی جنگ است. البته در اظهارات نقل‌شده، سخنگوی وزارت امور خارجه مشخصا بر مسوولیت کشورهای منطقه در جلوگیری از سوءاستفاده از قلمرو و امکاناتشان تأکید کرده است؛ بنابراین نباید این موضع را با اعلام یک مجازات مشخص و از پیش تعیین‌شده برای تمام کشورها یا بازیگران همراه با امریکا و اسراییل یکسان دانست.

چرا احتمال بازگشت جنگ همچنان محل نگرانی است؟

مجموعه مواضع اعلام‌شده نشان می‌دهد که چند عامل هم‌زمان بر چشم‌انداز روابط ایران و امریکا اثر می‌گذارند. نخست، اختلاف بر سر مطالبات ایران و به‌ویژه موضوع محاصره دریایی است که از نگاه تهران باید پیش از حرکت به سوی توافق نهایی تعیین تکلیف شود. دوم، بی‌اعتمادی ایران به عملکرد واشنگتن در روندهای دیپلماتیک است؛ بی‌اعتمادی‌ای که از تجربه‌های گذشته و نگرانی از تکرار اقدام نظامی در میانه مذاکرات ناشی می‌شود. سوم، اختلاف بر سر ترتیبات امنیتی منطقه و نقش نیروها و امکانات کشورهای منطقه در تحولات نظامی است. این عوامل در کنار یکدیگر باعث می‌شوند که مسیر دستیابی به توافق، حتی با وجود ادامه میانجیگری، ساده و بدون مانع نباشد. حفظ کانال ارتباطی برای جلوگیری از سوءمحاسبه و انتقال پیام‌ها اهمیت دارد، اما به‌تنهایی اختلاف‌های اصلی را حل نمی‌کند. اگر طرفین نتوانند درباره شروط اولیه، ترتیب اجرای تعهدات و تضمین‌های لازم به تفاهم برسند، مذاکرات ممکن است همچنان ادامه پیدا کند، بدون آنکه نتیجه نهایی آن روشن باشد. از سوی دیگر، ادامه مذاکرات می‌تواند فرصتی برای کاهش تنش نیز فراهم کند. اظهارات بقایی درباره امکان اجرای پیشنهاد ایران در مدت کوتاه، نشان می‌دهد که تهران می‌خواهد مسیر دیپلماتیک را همچنان به عنوان یک گزینه عملی معرفی کند. پیام ایران این است که در صورت اجرای مطالباتش، امکان بازگشت امنیت به تنگه هرمز و آغاز مرحله بعدی گفت‌وگوها وجود دارد. بنابراین، وضعیت کنونی را نه می‌توان نشانه قطعی توافق دانست و نه باید آن را به معنای حتمی بودن جنگ تفسیر کرد. آنچه روشن است، تداوم مذاکرات در فضایی آکنده از بی‌اعتمادی و تهدیدهای متقابل است؛ فضایی که در آن، هر تصمیم تازه از سوی واشنگتن یا تهران می‌تواند بر مسیر گفت‌وگوها اثر بگذارد.

دیپلماسی همچنان باز است؛ اما فرصت توافق به تصمیم‌های طرفین بستگی دارد

مواضع اخیر تهران بر یک پیام محوری استوار است: ایران از دیپلماسی حمایت می‌کند، مطالبات خود را از مسیر میانجی‌ها پیگیری می‌کند و برای ادامه مذاکرات آمادگی دارد؛ اما این آمادگی به معنای نادیده گرفتن تهدیدهای نظامی یا پذیرش توافقی بدون تحقق مطالبات اعلام‌شده نیست. در سوی دیگر، هشدارهای مقام‌های ایرانی درباره پیامدهای آغاز جنگ، تلاش برای تقویت بازدارندگی و جلوگیری از محاسبه اشتباه را منعکس می‌کند. تهران می‌خواهد روشن کند که در صورت تکرار اقدام نظامی، واکنش ایران را نمی‌توان صرفا بر اساس پیش‌بینی‌ها یا سناریوهای واشنگتن ارزیابی کرد. هشدار به کشورهای منطقه نیز در همین چارچوب قرار دارد: استفاده از قلمرو و امکانات آنها برای اقدام علیه ایران، از نگاه تهران، با اصل حسن همجواری و همکاری منطقه‌ای سازگار نیست. در نهایت، آینده مذاکرات بیش از هر چیز به تصمیم‌های عملی طرفین وابسته است. تداوم میانجیگری قطر می‌تواند مسیر انتقال پیام‌ها را حفظ کند، اما حل اختلاف‌ها به توافق بر سر مطالبات اصلی و نحوه اجرای تعهدات نیاز دارد. اگر چنین توافقی حاصل شود، امکان کاهش تنش و بازگشت به مسیر دیپلماسی تقویت خواهد شد؛ اما اگر اختلاف‌ها باقی بماند و تهدیدهای نظامی جایگزین اقدامات اعتمادساز شود، نگرانی از بازگشت جنگ همچنان پابرجا خواهد ماند. در شرایط فعلی، مهم‌ترین نشانه این است که کانال دیپلماسی هنوز بسته نشده، اما فاصله میان ادامه گفت‌وگو و دستیابی به توافقی پایدار همچنان قابل توجه است. ایران می‌گوید مسیر مذاکره را باز گذاشته و مطالباتش را روشن کرده است؛ هم‌زمان نیز هشدار می‌دهد که فشار نظامی، تهدید یا استفاده از امکانات کشورهای منطقه برای حمله به ایران، به‌خودی خود راه‌حل بحران نخواهد بود. اکنون تصمیم واشنگتن درباره چگونگی مواجهه با این مطالبات، نقشی تعیین‌کننده در مسیر پیش رو خواهد داشت.

پزشکیان:

رهبر انقلاب در زمینه گفت‌وگوها اختیاراتی به دولت داده‌اند

رییس جمهوری با تأکید بر اینکه باید از چالش‌ها و بحرانی که امروز دشمنان برای ایران ساخته‌اند با همراهی و همکاری مردم عبور کنیم، تصریح کرد: تلاش می‌کنیم با گفت‌وگو مشکل را حل کنیم و در این زمینه رهبر معظم انقلاب اختیاراتی نیز به دولت داده‌اند. مسعود پزشکیان روز (دوشنبه ۱۱ آبان) در نشست با استانداران و شهرداران کلانشهرها و مراکز استان کشور که با موضوع تقویت معیشت مردم برگزار شد، با تاکید بر اینکه نباید بپذیریم عده‌ای از مردم در تأمین نیازها اولیه و ضروری خود ناتوان باشند، گفت: باید با مدیریت درست، کمک به کسانی که در امورات زندگی با مشکل مواجه هستند را در اولویت قرار بدهیم و بتوانیم حداقل معیشت را برای ایشان فراهم کنیم.

محرومان و ساکنان استان‌های مرزی نباید در معیشت خود دچار مشکل شوند

رییس جمهوری با تأکید بر ضرورت شناسایی درست نیازمندان و محرومان جامعه و تلاش همگانی برای رفع مشکلات مردم، افزود: در این مسیر همه مدیران کشور، ائمه جمعه، خیران، بسیج، اصناف و اقشار مختلف در وهله اول باید نیازمندان جامعه استان، شهرستان، شهر و محله را به‌درستی ببینند و شناسایی کنند. باید به کسانی که نیازمندتر هستند بیشتر رسیدگی و کمک کنیم، محرومان و ساکنان استان‌های مرزی نباید در معیشت خود دچار مشکل شوند. پزشکیان با بیان اینکه قصد ونیت ما رسیدگی بیشتر به افراد نیازمند است، اظهار کرد: این کار عین عدالت و هدف ما در دولت و استان‌ها این است در استان‌های مرزی و محروم کالا ارزان‌تر از تهران و استان‌های مرکزی در اختیار مردم قرار بگیرد و اگر نیاز باشد برای تحقق این هدف یارانه هم خواهیم داد.

قطع یارانه افراد دارای تمکن بالا برای ارائه کمک بیشتر به نیازمندان است

وی با تأکید بر اینکه قطع کردن یارانه افراد دارای تمکن بالا برای ارائه کمک بیشتر به نیازمندان است، گفت: از مهم‌ترین مسائلی که دولت باید در اولویت قرار دهد، معیشت مردم و آموزش فرزندان است. درباره موضوع مدرسه‌سازی و فعالیت در حوزه آموزش در استان‌ها تربیت درست و بهبود کیفیت آموزش مدارس از اهمیت بالایی برخوردار است. باید کاری کنیم فضا و تجهیزات آموزشی و روش تدریس و آموزش در مدارس را تقویت کنیم. در این زمینه کمک‌های خیران و مردم نقش مهمی دارد که در کنار اعتبارات دولتی در موفقیت این طرح موثر و مفید باشد. پزشکیان با تأکید بر اینکه باید از چالش‌ها و بحرانی که امروز دشمنان برای کشورمان ساخته‌اند با همراهی و همکاری مردم عبور کنیم، افزود: تلاش می‌کنیم با گفت‌وگو مشکل را حل کنیم در این زمینه رهبر معظم انقلاب اختیاراتی نیز به دولت داده‌اند. رییس جمهور با بیان اینکه در جنگ هیچ کس منفعت نمی‌برد، تصریح کرد: دشمنان نمی‌توانند با جنگ ایران ما را تسلیم کنند ما در مقابل دروغ‌گویی و زیاده‌خواهی آنها با قدرت می‌ایستیم و در این راه باید برای افزایش تاب‌آوری مردم تلاش کنیم و دغدغه‌ها و نگرانی‌های‌شان را رفع کنیم. دکتر پزشکیان ادامه داد: اگر می‌خواهیم تاب‌آوری مردم را افزایش دهیم و با کمترین تنش از شرایط عبور کنیم باید تلاش کنیم با صرفه‌جوی و مدیریت مصرف انرژی تولید متوقف نشود. استانداران در استان‌های مختلف کشور باید با تشکیل تیم‌های کارشناسی و تخصصی پیشنهادهای اجرایی در مورد صرفه‌جویی و افزایش تولید را از مدیران زیرمجموعه خود دریافت و در تصمیمات اجرایی مورد توجه قرار دهند. رییس جمهور با اشاره به توسعه نیروگاه‌های خورشیدی برای تأمین کمبود برق گفت: تولیدکنندگان باید برق تولیدی را به قیمت واقعی دریافت کنند، باید مدیریت کنیم که انرژی با قیمت منطقی استفاده شود. قیمت‌گذاری دستوری هیچ‌وقت جواب نداده است. دکتر پزشکیان با بیان اینکه باید اقدامات مفید و اثرگذار را با قدرت رصد و نظارت کنیم، گفت: مدیریت مصرف انرژی و سوخت نقش مهمی در جلوگیری از قطع برق و گاز بخش تولید خواهد داشت، بنده حاضرم برق اتاق خود را قطع کنم اما برق و گاز بخش تولید قطع نشود. رییس جمهور افزود: اگر این فرهنگ ایجاد شود که با مدیریت مصرف و صرفه‌جویی تولید متوقف نخواهد شد و کارگری بیکار نشود می‌توانیم در مقابل توطئه نقشه‌های شوم دشمنان بایستیم، برای تحقق این هدف همه بخش‌های مدیریتی کشور در رده‌های مختلف باید پای کار بیایند. سالن‌های همایش پرمصرف، استخرها و مراکز بی‌بازده و پرمصرف، می‌تواند تعطیل شود و برق و گاز این مراکز به بخش تولید اختصاص یابد تا تولید کشور متوقف نشود. دکتر پزشکیان در بخش دیگری از سخنان خود افزود: برای یافتن بازار مناسب، عرضه، توزیع و صادرات تولیدات خود نیز باید برنامه‌ریزی و مدیریت درست داشته باشیم. شرکت‌ها و کارخانجات زیان‌ده باید مدیریت شود و مدیران آن از امتیازات محروم شوند. رییس جمهور با بیان اینکه برای این منظور به دنبال کسب مجوز از رهبری معظم هستیم، گفت: بخش خصوصی و تولیدکننده باید بهره‌وری بالا داشته باشد. اگر افرادی با سفارش و توصیه به کار گمارده شوند که کارآیی و بهره‌وری لازم را نداشته باشند این خیانت به کشور است. دکتر پزشکیان در ادامه با تأکید بر اینکه در زمینه مدیریت مصرف سوخت و انرژی و افزایش تولید و بهره‌وری، همه باید مشارکت کنیم، اظهار داشت: چیزی از کشورهای منطقه و همسایه کم نداریم، فقط باید به این باور برسیم که می‌توانیم.

این باور را در خود تقویت کنیم که توانمندی موفقیت و رسیدن به قله‌های پیشرفت و توسعه را